

فریاد و سکوت امام سجاد(ع) در خفقان اموی



معاون پژوهشی پژوهشکده حدیث با اشاره به شرایط تاریخی دوران امامت حضرت سجاد(ع) بر نقش ایشان در پرورش عالمان دینی و احیای اسلام واقعی تأکید کرد و گفت: بر اساس منابع تاریخی جامعه اسلامی دچار یک فساد همه گیر شده بود و امام سجاد(ع) در این شرایط دست به پرورش شاگردان علوم دینی زدند.

معاون پژوهشی پژوهشکده حدیث با اشاره به شرایط تاریخی دوران امامت حضرت سجاد(ع) بر نقش ایشان در پرورش عالمان دینی و احیای اسلام واقعی تأکید کرد و گفت: بر اساس منابع تاریخی جامعه اسلامی دچار یک فساد همه گیر شده بود و امام سجاد(ع) در این شرایط دست به پرورش شاگردان علوم دینی زدند.

به گزارش خبرنگار مهر، علی بن الحسین (ع) مشهور به زین العابدین و سجاد، چهارمین امام شیعه است که بنا به قول مشهور در پنجم شعبان سال 38 هجری متولد شد. برخی از مورخان معتقدند که امام زین العابدین(ع) در واقعه جانگداز و خونین کربلا 22 ساله بوده و بعضی دیگر نوشته اند که از سن مبارکش 24 سال می گذشت. امام سجاد(ع) در قیام خونین کربلا مدت کوتاهی - بنا به مشیت الهی - بیمار بود و پس از بهبودی، مدت 34 سال امامت و زعامت جامعه مسلمین را تداوم بخشید.

اسوه علم و حلم امام زین العابدین(ع)، پس از یک عمر مجاهدت در راه خدا و پس از ابلاغ پیام عاشورا به جوامع بشری، سرانجام به روایتی در 12 و به روایتی در 25 محرم سال 95 ه.ق به دست هشام و یا ولید بن عبدالملک مسموم و به شهادت رسید و بدن مطهرش را در کنار تربت پاک امام حسن مجتبی(ع) در بقیع به خاک سپردند.

فریاد و سکوت امام سجاد(ع) درسی برای شیعیان

حجت الاسلام احمد غلامعلی معاون پژوهشی پژوهشکده علوم و معارف حدیث در باره شرایط تاریخی دوران امامت حضرت علی بن الحسین(ع) به خبرنگار مهر گفت: امام زین العابدین(ع) در 11 محرم سال 61 مسئولیت امامت جامعه را در حالی بر دوش می کشد که هیچ فرد همراه اثرگذاری در میان عالمان در آن دوران برای ایشان وجود نداشت. این نکته، سختی کار امام را نشان می دهد. چون اگر کسانی بودند که به امامت اباعبدالله الحسین(ع) و پس از او امام سجاد(ع) اعتقاد داشتند و اهل کار هم بودند باید در واقعه کربلا حضور می داشتند در حالیکه افرادی چون محمد بن حنفیه، ابن عباس و ... با همه بزرگی شان در صحرای کربلا حضور نداشتند.

وی افزود: پس امام سجاد کسی را ندارد که کاملاً مطیع دستگاه امامت باشد اگر چنین بود به کربلا می آمدند. امام سجاد(ع) باید کار را از صفر شروع می کرد. تربیت شاگردان و امتداد دین واقعی که همان دین جدشان پیامبر اکرم(ص) بود و از طرفی تبیین معارف دین و مشخص کردن هر کدام از اخلاقها و رفتارهای دینی و نیز اعتقادات دینی از جمله برنامه های امام بود.

این محقق علوم حدیثی یادآور شد: حضرت زین العابدین(ع) از روز 11 محرم سال 61 با رفتارشان به ما شیعیان می آموزد که کجا باید سخن گفت و کجا نباید. وقتی در دربار عبید الله بن زیاد است امام سجاد(ع) یک موضع گیری بسیار زیبایی در برابر تفکر جبرگرایی دشمن انجام می دهد و بعد از یکی دو صحبت امام ساکت هستند تا شام. و این نشان می دهد که ما باید در یک برهه ای صحبت کنیم و در برهه هایی سکوت ما رساتر خواهد بود.

مقابله امام سجاد(ع) با تفکر جبرگرایی

حجت الاسلام غلامعلی افزود: در شام هم ایشان سخنرانی فوق العاده ای در دربار یزید دارند. وقتی امام سجاد در مجلس یزید می خواهد صحبت کند می گوید اجازه می دهید بر بالای این تخته پاره ها بروم و صحبت کنم؟ حضرت با این کلام از لفظ منبر استفاده نمی کند و با این سخن نشان می دهد منبر وقتی منبر است که جایگاه پیامبر حفظ شود وقتی جایگاه رسول خدا حفظ نشود این منبر تخته پاره ای بیش نیست.

وی با اشاره به فعالیت های مؤثر امام سجاد(ع) در مدینه و احیای اسلام در جامعه آن دوره که دچار فساد شده بود، تصریح کرد: حضرت سید الساجدین(ع) در مدینه تربیت شاگردان را به مدت 34 سال ادامه دادند. اولین چیزی که ایشان در طول مسیر از کربلا به

مدینه به شیعیان می آموزند کی و چگونه سخن گفتن است.

معاون پژوهشی پژوهشکده علوم و معارف حدیث تأکید کرد: در دربار ابن زیاد وقتی دشمن می خواهد تفکر جبرگرایی را ترویج کند به این معنا که هرکاری چه خوب چه بد را همه را خدا انجام می دهد را جا بیندازد ایشان با جواب خود بطلان این تفکر را نشان می دهد.

وی افزود: وقتی ابن زیاد رو به امام سجاد(ع) می پرسد تو کیستی؟ امام می فرماید: من علی بن الحسین هستم. ابن زیاد می گوید: مگر خدا علی بن حسین را در کربلا نکشت. امام سجاد پاسخ می دهد: الله یتوفی الانفس حین موتها. امام با این پاسخ می خواهد بگوید خداوند جانها را وقتی می گیرد که زمانش رسیده باشد و این شما بودید که پیش از این زمان دست به این کار زدید. در واقع امام با این سخن تأکید می کند که کارهای خطای خود را به نام خدا تمام نکنید.

غلامعلی با اشاره به سخنرانی امام سجاد در شام گفت: در مجلس یزید هم ما می بینیم که چگونه امام سجاد(ع) با سخنرانی خود یزید و بنی امیه را رسوا می کند. یزید که خود را به عنوان خلیفه مسلمین و جانشین پیامبر(ص) جا انداخته بود، در این مجلس امام سجاد(ع) خود را به فرزند مکه، زمزم، به منا، به فرزند پیامبر و... یعنی به تمامی شاخصهای اسلام معرفی می کند که یکباره همگان برایشان این سؤال پیش می آید که این شاخصهای اسلام را باید خلیفه مسلمین داشته باشد پس این فرد چرا دارای این شاخصهاست؟!

وی افزود: در اینجا است که یزید کوتاه می آید و این سخنرانی امام باعث می شود که یزید اهل بیت را با احترام روانه مدینه کند و حتی در واقعه حره که دو سال بعد اتفاق افتاد و لشکر یزید آن فجایع را انجام دادند به امام سجاد و خانواده ایشان هیچ تعرضی نشد و این نشان می دهد که امام چگونه سخن گفت و در کجا سکوت کرد تا این دستاورد عظیم را بعدها داشته باشد.

فساد در شهر پیامبر بیداد می کرد/ گریستن مردم مدینه از رفتن زن آوازه خوان

وی با اشاره به شرایط تاریخی و فرهنگی شهر مدینه در سالهای ابتدایی امامت حضرت سجاد(ع)، گفت: بر اساس منابع تاریخی جامعه اسلامی دچار یک فساد همه گیر شده بود به گونه ای که نوشته اند بعد از یزید، مدینه یعنی شهر پیامبر مرکز زنان آوازه خوان شده بود و وقتی خلیفه بعد از یزید یعنی «عمر بن عبدالعزیز» می خواست از مدینه یک زن آوازه خوان را به قیمت 20 هزار دینار بخرد مردم مدینه از اینکه او می خواهد از شهرشان برود تا بیرون شهر او را همراهی کرده و می گریستند! وضعیت جامعه اسلامی بدین شکل شده بود. امام سجاد(ع) در این شرایط عنصر دعا را برمی گزینند تا معارف اصیل را در این قالب زیبا منتقل کنند.

معاون پژوهشی پژوهشکده حدیث تأکید کرد: امام با مدیریتی که داشتند توانستند به همراه عمه گرامی شان حضرت زینب(س) کاروان اهل بیت را با عزت تمام از کربلا به مدینه بازگردانند. با نگاهی به نوع مدیریت امام سجاد(ع) متوجه می شویم که آنها در عین حال که مظلومیت خود را بیان می کردند اما این مظلومیت را همراه با عزت و عظمت داشتند.

این محقق علوم حدیثی تأکید کرد: نکته بعدی این است که وقتی امام به مدینه برمی گردند باید تربیت شاگردان را آغاز کنند لذا دو سه شاگرد را از جمله «ابو خالد کابلی» و «یحیی بن ام طویل» را به طور ویژه پرورش می دهند و از این دو سه نفر می خواهد که تشنگان دانش، اخلاق و معارف را پیدا کنند و آنها را با امام آشنا نمایند.

نقش امام سجاد(ع) در پرورش بزرگان علوم دینی

حجت الاسلام غلامعلی افزود: امام سجاد مثل این ایام در سال 61 در مدینه هیچ طرفداری نداشتند اما 34 سال بعد با این کار مداوم تربیتی به جایی می رسد که وقتی مثل چنین روزی بدن مطهر امام سجاد(ع) را در مدینه تشییع می کنند به قدری جمعیت زیاد بوده که از جایی که جنازه را بلند می کنند و تا جایی که در بقیع بر زمین می گذارند جمعیت به هم متصل بوده است. یعنی در محرم 61 علیرغم شهادت امام حسین(ع) امام سجاد(ع) در مدینه پایگاه اجتماعی نداشتند و مردم هنوز متوجه خباثت یزید و ال امیه نشده بودند اما تا سال 95 که امام به شهادت می رسد، بسیاری از افراد چه شیعه و چه سنی طرفدار ایشان بودند و بزرگان آن دوره از جمله «سعید بن مصیب» که از علمای آن دوره و از قراء بودند نقل می کنند که وقتی امام می خواستند به مکه مشرف شوند هزار نفر از اینگونه افراد مفسر چه شیعه و چه سنی، ایشان را همراهی می کردند.

وی در ادامه به تبیین عوامل موفقیت امام سجاد(ع) در احیای دین اسلام پرداخت و گفت: بهره گیری از واقعه عاشورا یکی از مسائلی است که امام سجاد(ع) بر آن بسیار تأکید داشتند به نحوی که هر زمان که اقتضا می کرد واقعه عاشورا را یادآوری می فرمود. عامل دیگر موفقیت امام زین العابدین(ع) سرمایه گذاری ایشان بر قشر فرهنگی و نیز تک تک مردم بود و نیز استفاده ایشان از ابزار دعا

برای انتقال معارف الهی از دیگر عوامل به شمار می رود.

وی با اشاره به ادعیه به جا مانده از امام سجاد(ع) یادآور شد: صحیفه سجادیه در واقع دارای 75 دعا بوده که هم اکنون تنها 54 دعا آن به دست ما رسیده است اما مجموع دعا‌های که از امام سجاد(س) بر جای مانده است حدود 254 دعا می باشد.

سخنرانی پیش از خطبه نماز جمعه امام سجاد(ع) در حکومت بنی امیه

حجت الاسلام غلامعلی در ادامه تأکید کرد: نکته دیگر از عوامل موفقیت امام سجاد(ع) در حفظ معارف الهی و آموزه های اصیل اسلامی، استفاده ایشان از موقعیتهای مختلف برای سخنرانی است. برای نمونه امام سجاد(ع) در اواخر عمر شریفشان، وقتی فرمانروای مدینه «عمر بن عبدالعزیز» از ایشان برای سخنرانی قبل از خطبه های نماز جمعه دعوت می کند، امام نمی گوید اینها حکومت جور و ستم هستند من با آنها همکاری نمی کنم بلکه ایشان از این فرصت استفاده کرده و طی سخنرانی خود مواظ اخلاقی را مطرح می کنند که این یک حرکت جهادی از سوی امام به شمار می رود.

وی با اشاره به تأثیرگذاری واقعه عاشورا پس از سالها بر مردم مدینه تأکید کرد: جامعه مدینه 2 سال بعد از فاجعه عاشورا تازه متوجه خباثت یزید می شود و آن هم زمانی است که «عبدالله بن حنظله» که از تابعین بود به همراه دیگر بزرگان مدینه برای اینکه ببیند که خلیفه مسلمین چگونه است به شام رفته و در این سفر تازه متوجه می شود که خلیفه مسلمین چه فرد فاسدی است و پس از بازگشت همراه مردم مدینه علیه یزید و بنی امیه قیام می کند اما لشکر یزید به مدینه آمده و آنها را قتل عام می کند. 2 سال پیش و قبل از حرکت امام حسین(ع) از مدینه، اباعبدالله الحسین(ع) همین مسائل را در مورد یزید می فرمود اما آنها امام را همراهی نکردند.

معاون پژوهشی پژوهشکده علوم و معارف حدیث، افزود: در سال 63 مردم مدینه که حاضر نشده بودند در سال 61 امام حسین(ع) را همراهی کنند چه هزینه ای را پرداخت کردند؟ 10 هزار کشته! و چه دستاوردی داشتند؟ هیچ! و پس از اینکه بر جان و ناموسشان تجاوز شد به مانند بردگان با یزید بیعت کردند. مردم مدینه بعد از واقعه حره متوجه شدند که با امام همراه شدن هزینه کم اما دستاورد زیاد دارد و بدون امام هزینه زیاد و دستاورد هیچ خواهد بود.

انتشار «رساله زهد» امام سجاد درباره سبک زندگی در یمن

وی در ادامه تأکید کرد: امام سجاد همچنین به مسائل جزئی امت اسلامی توجه داشتند. از امام زین العابدین(ع) دو رساله حقوق و زهد به جای مانده است که «رساله زهد» ایشان که با بحثهای امروز سبک زندگی به نوعی همخوانی دارد در زمان خود حضرت در یمن منتشر شد و ما چنین چیزی نداشتیم که آثار و سخنرانی های ائمه اطهار در زمان خودشان منتشر شود و این نشان می دهد که امام سجاد(ع) با بهره گیری از واقعه عاشورا، ارتباط با نسل فرهنگی، استفاده از شیوه دعا و... توانستند به گونه ای بحث امامت را سامان دهند.

حجت الاسلام غلامعلی در پایان تصریح کرد: ما همگی از امام باقر(ع) به عنوان شکافنده علم یاد می کنیم و این در حالی است که شاگردان اولیه امام باقر(ع) را امام سجاد(ع) تربیت فرمود و آن نخبگانی که شاگردان امام باقر(ع) را تشکیل می دادند و موجب رونق مدرسه شیعه شدند اینها در واقع همه دست پرورده امام سجاد(ع) بودند.